بقیه از صفحه اول

**درجوامع طبقاتی واگذاری کارخانه به‌زن با نفی نقش اجتماعی او مترادف است و این یعنی دورشدن زن از صحنه فعال تلاش اجتماعی**

ولی یک نکته قابل توجه است و آن اینکه اجداد ما یعنی انسانهای اولیه هرچند تفاوت بسیار زیادی با حیوانات داشته‌اند ولی کیفیت مادی و معنوی آنها به هیچ عنوان با جوامع امروز قابل مقایسه نبود. بمحلطه به لحاظ آگاهی درسطحی بسیار نازل و ابتدائی قرار داشتند چرا که انسان آگــاهی را با خود درهنگام زادن به ارمغان نمی‌آورد بلکه در جریان برخورد با طبیعت و جامعه آنها را کسب می‌کند.

*والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا"*

خداوند شما را از شکم های مادرانتان خارج کرد درحالیکه هیچ خبر نمی‌دانستید. و درست به همین دلیل جوامع اولیه بلحاظ مادی و معنوی، بلحاظ رشد ابزار و آگاهی، و نیز بلحاظ روابط اجتماعی در سطحی بسیار ساده و ابتدائی قرار داشتند.

علیرغم سادگی روابط، ازآنجا که زنده ماندن این انسانها به دلیل فشار طبیعت وحشی صرفا درسایه‌ی همکاری، برادری و برابری امکان داشت، روابط بین انسانها درجوامع اولیه برمبنای برابری کامل بود چه زن و چه مرد. همه باهم کار می‌کردند، هرکس تا آنجا که می‌توانست تلاش می‌کرد. و محصول کار را باهم مصرف می‌کردند. و از آنجا که آگاهی و تجربه بسیار اندک بود و ابزارهائی که برای تسخیر طبیعت بکار می‌رفت بسیار ساده بودند. اگر از صبح تا به شام همه تلاش می‌کردند. فقط آنقدر به دست می‌آوردند که بخورند و زنده بمانند و اصولا زمینه‌ای برای آنچه امروز استثمار می‌نامیم یعنی دزدیدن بخشی از کار دیگران وجود نداشت ولی با تمام اینها از آنجا که زنان محور زندگی خانوادگی بودند و منبع مطمئن غذا یعنی جمع‌آوری دانه‌ها و ریشه‌ها به وسیله‌ی آنها برای قبیله تامین می‌شد دردرون گروه موقعیت مشخص‌تری داشتند به شکلی که حتی فرزندان را بنام مادران نسبت می‌دادند. این خصوصیت در این نوع جوامع آنقدر بارز است که آنها را "جوامع مادرسالاری" نام نهادند. (نمونه‌ی این جوامع هم‌اکنون دراسترالیا وجود دارد.)

و به این ترتیب زنان، مرکز اساسی حیات بودند. گاه حتی تصور می‌شود که تقسیم طبیعی اولیه‌ی کار یعنی تفاوتی که بین نقش زن به عنوان اداره کننده‌ی خانه و جمع‌آوری‌کننده‌ی غذا، و نقش مرد به عنوان شکارگر وجود داشت ناشی از اندک بودن نقش زنان و محدود شدن کار آنها به کار خانه است. درحالیکه به هیچ عنوان این تقسیم کار باعث نشده بود که زنان در فعالیتهای اجتماعی قبیله نقش درجه دومی داشته باشند. زنان با بهای مردان در شوراهای قبیله شرکت می‌کردند و بلحاظ اقتصادی و اجتماعی ازحقوقی کاملا برابر با مردان برخوردار بودند و به این ترتیب به عهده گرفتن نقش بیشتر درخانه به معنای داشتن سهم کمتر در اجتماع نبود.

توجه به این نکته از آن روحائز اهمیت است که در جوامع طبقاتی واگذاری کار خانه به زن با نفی نقش اجتماعی او مترادف است و اگر درست دقت شود این تبعیض یعنی دورشدن زن از صحنه‌ی فعال تلاش اجتماعی همان ریشه‌ی تاریخی عقب‌ماندگی او و محصور شدنش در ارزشها و فرهنگ حقیرپندارانه‌اش می‌باشد درحالیکه درجوامع اولیه زنان با بهای مردان در فعالیتهای اجتماعی شرکت می‌کردند.

به تدریج با پیشرفت جوامع ابتدائی و مخصوصا اختراع ابزارو وسایل جدید، روابط جوامع اولیه پیچیدگی‌های نوینی پیدا کرد مثلا با پیشرفت امر کشاورزی دربرخی‌از قبائل وپیشرفت دامپروری درقبائل دیگر اولین تقسیم اجتماعی کار به صورت شکلگیری قبائل کشاورز و قبائل گله‌دار انجام گرفت. ودومین تقسیم اجتماعی کار با ارتقا سطح صنعت و بوجود آمدن صنعتگران تحقق پیدا نمود. و اینجا بودکه به تدریج با بوجود آمدن مشاغل اجتماعی متفاوت و نیز ایجاد امکان استثمار در سایه‌ی تکامل ابزار تولید زمینه‌های بروز تضادهای اجتماعی بوجود می‌آمدو جوامع ابتدائی با رشد این تضادها گام‌به گام به سمت تلاشی نزدیک می‌شود بمرحله تدریج با احرازنقش درجه اول درکسب روزی برای مردان پدرقطب و محور خانواده می‌شد و قبائل "پدرسالار" شکل می‌گرفت. البته به دلیل نقش فعالتر مردان در قبائل گله‌دار، پدرسالاری با سرعت بیشتری در این نوع قبائل بوجود آمد

## روابط زن و مرد در جوامع اولیه:

همچنان که گفتیم انسان ابتدا ازانواع حیوانی جدا شد و درآغاز علیرغم تمام استعدادهائی که بالقوه در زمینه‌ی آگاه شدن و آزاد شدن در او به ودیعت گذاشته شده بود هنوز گذار از سده‌ها وهزاره‌های طولانی لازم بود تا این استعدادها درسایه‌ی تلاش پیگیر انسانها وآموزش معلمین کبیر تاریخ یعنی پیامبران بارور شود و به سطح امروزین برسد.

به همین دلیل انسانهای‌بسیار ابتدائی اولیه بسان اجداد حیوانی‌ــ شان بطور گروهی ازدواج می‌کردند در یک مرحله از رشد، ازدواجها که فقط در درون قبیله انجام می‌گرفت تغییر شکل داد و به صورت ازدواج "برون قبیلگی" درآمد وبالاخره با شکلگیری قبائل پدرسالار ازدواج با نظم نوینی شکل گرفت. ولی به هرحال درتمام این حالتها زن‌بودن و یا شوهر بودن هیچ یک نمی‌توانست دلیل بر تفوق باشد. و همچنان که گفتیم هرگز زن بودن و به‌عهده‌گرفتن وظایف ویژه‌ی مادریشان را به کنج خانه نمی‌راند و از وظایف اجتماعی‌ــ شان محروم نمی‌کردو بدین‌سان آنها رابصورت اعضای درجه‌ی دوم قبیله درنمی‌آورد.

و خواهیم دید که با تلاشی جوامع ابتدائی و آغاز برده‌داری سرنوشت زن چگونه به یکباره وارگون شد.

*(ادامه دارد)*

# مطبوعات خارجی چه میگویند:

نقش مطبوعات در جهان متحول امروز، نه تنها در انعکاس رویدادهاست. که زاویه و نگرش دیدگاههای خاصی را به وقایع جهان هم نشان می‌دهد. بر همین اساس مطبوعات قابل طبقه‌بندی وارزیابی هستند، چرا که هر روزنامه و نشریه‌ای بازتاب خواستها و تمایلات طبقاتی قشر وابسته بدان می‌باشد. بنابراین در برخورد با قضایاو تحلیل آن‌ها مطابق با خواست‌های طبقاتی‌خود، مسایل را تفسیر و توجیه می‌نمایند. درست به همین خاطر مطالعه‌ی رویدادها و اخبار روزنامه‌های مختلف که بیانگر نقطه‌نظرات و تحلیل‌ها و گرایشات متفاوت و متضاد است‌می‌تواند ما را به واقعیت‌ها نزدیکتر ساخته و شناختی علمی و دقیق‌تر و عینی‌تر از آن پدیده عرضه نماید. درکتاب"رهنمودهائی برای تحلیل سیاسی" از انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران، به‌موضع طبقاتی و گرایشات بعضی ازروزنامه‌ها اشاراتی گردیده است که مراجعه به آن نیز مفید خواهد بود.

ما از این به بعد ستونی رابه‌ترجمه‌ی مطبوعات خارجی اختصاص خواهیم داد. درج این قبیل ترجمه‌ها به هیچوجه تحلیل واقعی مساله از دیدگاه ما نیست، بلکه منظورمان از یکطرف آشنائی با برخورد مطبوعات دنیا با مسائل مختلف به ویژه‌نحوه‌ی انعکاس رویدادهای جامعه، در سطح جهانی است"ثانیا: برخورد با فاکت‌ها و نمونه‌هائی است که برای یک تحلیل همه‌جانبه‌تر از قضایا،احیانا مفید خواهند بودبه‌ویژه این که مطبوعات وسیله‌ای است جهت‌ارتباط وسیع با اقشارگوناگون‌مردم، لذا مورد توجه جناح‌های مختلف فکری و سیاسی، و ... قرار می‌گیرد. دراین میان جهانخواران و عوامل استعمار با در دست داشتن امکانات زیادشان،سعی بر ایجاد و گسترش شبکه‌های عظیم بین‌المللی مطبوعاتی نموده‌اند، که همچون بازوی تبلیغاتی‌خود، با ایجاد جو مسموم و مغشوش کردن افکار عمومی، اذهان ساده را بفریبند، تا راه برای نفوذ اقتصادی، نظامی و ... برآنها هموار گردد. برای شناخت دشمن، و حیله‌هایش و نیز طرح‌ها و برنامه‌اش در آینده، و مبارزه‌ای اصولی و عمیق با آن، باید در خلال مطبوعات به جستجو پرداخت. نقل پاره‌ای از مندرجات نشریات جهان و به‌خصوص تحلیل‌های مطبوعات غربی که با ظاهری به اصطلاح بی‌طرف و منطقی مبین اهداف امپریالیسم است، به ما کمک خواهد کرد که با شناختی عمیق‌تر از طرحها و برنامه‌هـای امپریالیستــی بهترین موضع انقلابی را در هر شرایطی اتخاذ کنیم (عمل‌صالح)

از: نیوزویک [illegible]
آوریل ۱۹۸۰ (سیزدهم فروردین)

ــ تمایل غریزی ما آمریکائیها براین است که جهت آزادی گروگانها نهایتاً و مجازات این جانی‌ها به این گله‌ی خوکها ضربه زده و آن‌ها را از پا درآوریم.

ــ مسائل و تدبیرات زیادی مانع از اقداممان به یکباره حل قهرمانانه می‌شود. به این‌جهت ما از طریق نظامی نمی‌توانیم ایرانیان را نجات دهیم چراکه با این کار آنها را به‌کشتن خواهیم داد.

ــ به خاطر این که ما کشوری هستیم‌که دارای سنت‌ها و موازین انسانی است (!) لذا کوشش خود را باید در جهت سلامت بازگرداندن گروگان‌ها بکار بریم. اگرچه این به مفهوم پیروی از یک خط مشی دیوار یعنی "دست بردن به اقدام عملی" باشد.

ــ هرگونه قدرت نمائی، از سوی کشورهای منطقه به مثابه‌ی نمونه‌ای از اقدام یک ابر قدرت برای سرکوب یک ملت کوچک تلقی خواهد شد و در این‌حال این‌اتهام خارج چنین که"آمریکائی‌ها امپریالیست‌هستند" اثبات و مورد تایید قرار خواهد گرفت. مضافا براین که برقراری هرنوع تحریم علیه یک ملت مسلمان (حتی شیعه) حمله به اسلام تلقی می‌شود.

"محاصره‌ی دریائی ایران موجب صدمه‌دیدن کشورهای دیگر می‌شود"
از: دیلی‌تلگراف (انگلستان)
۱۲ آوریل ۱۹۸۰ (۲۳ فروردین ۵۹)

ــ نیروی دریائی آمریکا توانائی محاصره‌ی دریائی ایران را دارد، مع‌ذلک اقدام در این باره بسیار مشکل است چرا که عکس‌العمل‌های سیاسی قابل ملاحظه‌ای را در خلیج (فارس) پدید خواهد آورد.

ــ تاکنون دو نوع محاصره‌ی دریائی تحت بررسی قرار گرفته‌است اول ــ محاصره کردن بنادر ایرانی که از آن نفت صادر می‌شود و همچنین جاده‌هائی که در خود خلیج (فارس) قرار دارد. که این کار را با پیاده کردن نیرو از طریق هوا می‌توان انجام داد. در صورتی که این محاصره با موفقیت روبرو شود. اکثر متحدین نزدیک آمریکا به‌خصوص ژاپن، آلمان، انگلیس و همچنین کشورهای دیگر اروپائی لطمه خواهند دید. روش دوم‌ــ مسدود کردن تنگه‌ی هرمز است تا به‌این وسیله از حرکت کشتی‌های نفتکشی که حامل نفت ایران هستند جلوگیری شود. این‌اقدام به‌وسیله‌ی کشتی‌های جنگی‌ای که آمریکا در منطقه مستقر کرده انجام خواهد شد.

"ایران رودرروی عراق"
از: تایم (آمریکا)
۲۱ آوریل ۱۹۸۰ (اول اردیبهشت)

ــ دو کشور منطقه‌ی خلیج فارس، بی‌هیچ‌گونه دورنگری و تعقل روباروی هم‌ایستاده‌اند. با وجود این که مناقشات این دو رقیب قدیمی در خاورمیانه بیشتر جنبه‌ی تبلیغاتی دارد ولی نزدیک بود که‌هفته‌ی گذشته به یک جنگ واقعی منجرشود.

ــ سلاح تبلیغاتی دو حریف در این‌حال متوجه‌ی امریکا نیز هست که این مساله بر وخامت اوضاع منطقه می‌افزاید.

"آمریکا آماده است به تنهائی علیه ایران اقدام نماید"
از: دیلی اکسپرس (انگلستان)
آوریل ۱۹۸۰ (۲۲ فروردین)

ــ طبق اظهارات یکی از مقامات کاخ سفید، ایالات متحده مشغول بررسی اقدامات احتمالی نظامی علیه ایران است که شامل محاصره‌ی دریائی و هوائی این کشور و حتی احتمالا پیاده شدن در خشکی و جنگ در صحرا می‌باشد.

ــ کارتر اظهار داشت ما امروز در هیچ جای دنیا درگیر مبارزه‌ای مستقیم‌تر از مبارزه با ایران نیستیم.

## اخبار و رویدادها

بقیه از صفحه ۴

اردیبهشت) ــ روزنامه‌ی "معاریو"، چاپ اسرائیل می‌نویسد: سانحه‌ی ایران، آمریکا را ناگزیر خواهد نمود. در راهی که از پایان جنگ ویتنام تاکنون، در پیش گرفته‌بود، خط صحیحی بکشد. اگر آمریکا میل دارد، به حیات خود ادامه بدهد، موظف است. مانند یک ابر قدرت رفتار نموده و تمام قدرت خود را به کار گیرد.

* خبرگزاری آسوشیتدپرس (۸ اردیبهشت) ــ "اسحق شامیر" وزیر خارجه‌ی اسرائیل، اظهار داشت: اقدام آمریکا، برای آزاد ساختن گروگان‌های آمریکائی در تهــران، شجاعانه بوده است. وی گفت: خود را در غم مردم آمریکا، شریک می‌داند.

وزیرخارجه‌ی اسرائیل، عملیات نجات آمریکا را، موجه‌خوانده وگفت کارتر، چاره‌ی دیگری نداشت.

# چند سؤال درباره‌ی تهاجم نظامی آمریکا

بقیه از صفحه اول

طبس جائی است که برای سوخت‌ــ گیری انتخاب شده و فرودگاه متروکه‌ــ ای بوده که در سالهای قبل، در زمان رژیم گذشته، امریکائیها در معادن اورانیوم آنجا مشغول فعالیت بوده‌اند. درضمن مانورهای مشترک ارتش امریکا و ایران تحت عنوان مانورهـای "کـویـرشناسـی" در همین ــجا انجام می‌گرفته‌است.

از ۵ فروند هواپیما یکی "سوخت" وبقیه حدود ۲۰۰ نیروی مخصوص را که در بین آنها مطمئنا" تعدادی ساواکی وارتشی نیز وجود داشته اند می توانسته‌اند حمل کنند. پایگاه‌دوم قرار بوده "کوشک‌ــ نصرت" واقع در نزدیکی قم باشد. طبق نقشه می بایست بعد از سوخت‌ــ گیری، هلی کوپترها و هواپیماها از دومسیر جداگانه ( ازطریق ورامین ) به سمت پایگاه دوم حرکت کنند. از این نقطه که مرکز عملیات بوده، می‌بایست هلی‌کوپترها به ورزشگاه امجدیه رفته و پس از پایان عملیات (ظاهرا" آزادی گروگانها) خود را به "کوشک نصرت" که هواپیماها در آن آماده‌ی پرواز بودند، برسانند و با جاگذاشتن هلی‌کوپترها خود را از ایران خارج سازند.

نقشه با شکست مواجه می‌شود.

ساعت ۱۱ شب، ظاهرا" هنگام سوخت رسانی از هواپیما به یکی از هلی‌کوپترها تصادمی رخ داده وهردو آتش می‌گیرند. به این دلیل و علل دیگرعملیات متوقف و آمریکائی‌ها مجبور به بازگشت می‌گردند. قابل توجه این که معمولا" در چنین مواردی آمریکائی‌ها اسناد و نقشه‌ی عملیات خود را به جای نمی‌گذارند که مطمئنا" عللی آنها را مجبور به این کار کرده که خود شایسته‌ی بررسی است. به هر صورت یک هلی‌کوپتر و یک هواپیما با سرنشینانش می‌سوزند. بقیه‌ی آمریکائی‌ها در جاده کمین کرده و جلوی یک اتوبوس مسافربری را گرفته و قصد داشته‌اند، مسافرین را به داخل هواپیما ببرندکه بعدا" تغییر عقیده داده و لباسهای آنها را می‌گیرند و آنها را آزاد می‌کنند. مسافرین خود را به‌پاسگاه ژاندارمری رباط کور رسانده و ماوقع را می‌گویند که پس از آن سپاه و ارتش نیز در جریان امر قرار می‌گیرند. تا ساعت ۲ بعد از ظهر جمعه هیچ گونه عکس العمل نشان داده نمی‌شود و تنها پس از این که آمریکا شکست عملیات خود در ایران را اعلام می‌کند، ستاد ارتش طی اطلاعیه‌ای خبر را بدین صورت اعلام می‌کنند: "... در نتیجه‌ی تعقیب هواپیماهای نیروی هوائی جمهوری‌ــ اسلامی ایران دو فروند هواپیمای آمریکایی... هنگام فرار از خاک ایران با یکدیگر برخورد نموده آتش گرفته، در حوالی منطقه‌ی طبس سقوط می‌نماید..."!

ساعت $3\frac{1}{2}$ بعد از ظهر جمعه دستور بمباران هلی‌کوپترهای به جا مانده توسط ارتش صادر می‌شود. که در این بمباران دو فروند هلی‌کوپتر که حاوی اسناد مهمی نیز بوده، از بین می‌رود، و فرمانده‌ی سپاه یزد که در محل فرود هواپیماها حضور داشته کشته می‌شود و....

### چند سوال از دست اندرکاران و مسئولین

به همراه این گزارشات سئوالات و نقاط ابهام فراوانی نیز مطرح بود، که برخی از آنها را نقل می‌کنیم و از مسئولین خواستار پاسخ به آنها هستیم. قابل ذکر این که عمده‌ی این نقاط ابهام حکایت از این‌دارد که عواملی در این رابطه نقش موثری در انجام این طرح در داخل ایران داشته‌اند که بدون وجود آنها انجام این عملیات هرگز میسر نبوده است. بدیهی است که‌شناخته شدن ایــن چهره‌ها و دست‌ها کمک شایانی به پیشبرد مبارزه‌ی ضدامپریالیستــی خلق ما می‌کند و گره گشای بسیاری از معضلات خواهد بود.

۱ ــ روز چهارشنبه بعدازظهر تلفنگرامی با شماره‌ی ۸ــ۷/۲۰ــ۱۳۰۳ ۵۹/۲/۴ از طرف قسمت عملیات ستاد نیروی ــهوائی به گردان پدافند زمین به هوای پایگاه یکم و چند شهر دیگر نظیر شیراز، مشهد و... مخابره شده‌و از مسئولین خواسته شده است فورا" تمام آتشبارها و توپهای زمین به هوای مستقر در خط پرواز پایگاهها و باندها را جمع کنند. این امر منجر به خلع سلاح شدن اکثر فرودگاهها و پایگاههای مهم ایران شده است. علت این امر چه بوده است؟

۲ ــ بمباران هلی‌کوپترها با راکت، با توجه به این که قبل از آن، سناتورهای آمریکایی گفته بودند، که اطلاعات محرمانه‌ای در آنها به‌جای مانده است. به چه دلیل‌انجام یافته است؟ می‌دانیم که ممانعت از حرکت مجدد هلی‌کوپترها، به راحتی توسط پاسدارانی که در محل حضـــور داشته‌اند، امکان پذیر بوده است.

۳ــ ظاهرا" اولین خبر در مورد رؤیت هواپیماهای آمریکایی ساعت ده و چهل و پنج دقیقه‌ی پنجشنبه به پاسگاه ژاندارمری رباط کور (در حاشیه‌ی کویر) رسیده ولی تا صبح روز بعد از جانب ستاد ارتش هیچ گونه اقدامی صورت نگرفته‌است.

۴ ــ اگر این را بپذیریم که آمریکائی‌ها با آشنایی که به نقاط کور رادارهای ایران داشته‌اند، می‌توانستند از این نقاط برای گریز از دیده شدن استفاده کنند. آیاامکان‌ــ پذیر نبود که با رادارهای متحرک این نقاط را بپوشانند؟

۵ ــ چرا به خواست هماتفاو افرادمتخصص، باصلاحیت وداوطلب‌که می‌توانستند این مسأله را پی‌گیری کنند، ترتیب اثری داده نشده و حتی در کارآنها اخلال‌گری وکارشکنی شده است.

۶ ــ آیا این صحت دارد که:

ــ رادار بابلسر که‌می‌توانسته‌به خوبی منطقه‌ی مورد تهاجم را بپوشاند، یک هفته قبل از واقعه خراب شده است!؟

ــ پرسنل دفاع ضد هوائی مشهد را چند روز قبل از اتفاق به مرخصی فرستاده‌اند؟

ــ روز پنجشنبه رادار در بند کرمان تعداد زیادی هواپیما را دیده و گزارش کرده است.

ــ چراغ‌های امجدیه که قرار بوده یکی از مراکز عملیات باشد، شب وقوع جریانات تا صبح روشن بوده است؟

۷ ــ چرا نتیجه‌ی تحقیقاتی که تا به حال انجام گرفته به اطلاع مردم قهرمان ایران نرسیده است و آن چه گفته شده، مسائل پیش پاــ افتاده و ضد و نقیض بوده است. آیا می‌توان با کم اهمیت جلوه دادن مسأله، حقایق را از مردم پوشیده داشت؟

۸ــ .......

امید آن که پاسخ این سئوالات حداقل قسمتی از ابهامات را برطرف نموده و گره‌ی کور این معضل را بگشاید.